



شد، طوریکه می‌توانم بگویم یکی از مستقل‌ترین آثار سینمای ایران است و هیچ ارگان از آن خاصی حمایت نکرده است.

چشم‌انداز تان برای اکران عمومی چیست؟

با چند پخش کننده صحبت کردم که بعد از جشنواره اقدام به اکران عمومی کنیم. طبیعتاً این جنس فیلم‌ها نیاز به حمایت و تبلیغات مناسب دارند تا زمان خاصی برایشان در نظر گرفته شود، چراکه باتوجه به مشاهدات، امروزه اغلب آثاری که به فروش حداکثری گیشه می‌رسند، فیلم‌های کم‌دی است.

بازارهای بین‌المللی چطور؟

متأسفانه در حال حاضر، بازارهای بین‌المللی با سینمای ایران، قهر هستند و اغلب آثاری که در این جشنواره‌ها دیده می‌شوند آثار به نسبت ضعیف‌تری هستند. اما در هر صورت پخش کننده بین‌المللی دارم و اکنون مشغول فعالیت روی فیلم است.

بهترین سکانس فیلم؟

یک سکانسی بود که در طراحی دکوپاژ، بصورت سکانس پلان گرفته شده است. در واقع، یک مشاجره‌ای در حال انجام است و دوربین به دور کاراکترهای اصلی می‌چرخد که در نهایت سحر دولتشاهی را گیر می‌اندازد. بنظرم این سکانس و سکانس شروع فیلم از نظر دکوپاژی و شکل اجرایی بسیار جذاب است.

بهترین دیالوگ فیلم؟

از سیاوش خبر داری؟

اون همون جامرد. اون شانش از ما بهتر بود!

این فیلم چه شانس‌هایی خواهد داشت؟

در اینجور جشنواره‌ها، نمی‌توان بطور قطع نظر داد. معمولاً سلیقه و ترکیب داوران بسیار حائز اهمیت است. اما اگر شرایط مناسب باشد، معتقدم که تمامی عوامل کار، لایق دریافت جایزه هستند.

شیوا سرمست:

از «نبودنت» نمی‌توان به راحتی گذشت

شیوا سرمست متولد سال ۱۳۶۸ و فارغ‌التحصیل معماری از دانشگاه تهران مرکز است. او از سال ۱۳۸۶ فعالیت در تئاتر را شروع کرد. اما اولین کار حرفه‌ای وی، بازی در فیلم «نپتون» است، البته قبل از آن نیز در فیلم «ما همه با هم هستیم»، چندین تئاتر و فیلم کوتاه ایفای نقش کرده است اما بازی در فیلم «نپتون» را به لحاظ تاثیر گذاری نقش، می‌توان اولین کار جدی سرمست دانست. البته

ناگفته نماند که او تاکنون چندین بار، موفق شده تا جایزه‌های مختلف بازیگری و کارگردانی را در جشنواره‌های مختلف به دست آورد.

تجربه همکاری با آقای سجادی حسینی چگونه رقم خورد؟

این آشنایی تقریباً به سال ۱۳۹۳ بر می‌گردد، یک فیلم کوتاهی را کارگردانی کردم که آقای سجادی حسینی، تهیه‌کنندگی آن را به عهده گرفت و همین موضوع باعث همکاری‌های مجدد شد. از طرفی فیلمنامه را خواندم و خیلی دوست داشتم. فیلمنامه برگرفته از فضایی مادرانه و زنانه است که خیلی وقت است چنین فیلمی از سینمای ایران ندیده‌ایم.

از چالش‌های بازی در این فیلم بگوئید؟

قبل از این فیلم، متفاوت‌ترین نقشی که بازی کردم، یک زن افغان بود اما بازی در فیلم «نبودنت»، متفاوت‌ترین اثری بود که تاکنون بازی کردم. در این فیلم، نقش مادری را بازی می‌کنم که یک زن ۴۸ ساله است. البته در اینبار چالش‌های زیادی داشتیم، چرا که من در آن مقطع زمانی ۳۲ ساله بودم و باید نقشی را بازی می‌کردم که ۱۶ سال از خودم بزرگتر بود. به همین خاطر این کاراکتر نیازمند گریم سنگین بود. اما خدا را شکر تست گریم انجام شد و نتیجه مطلوب بود. اما از لحاظ نزدیکی به کاراکتر با اینکه از دواج نکردم اما بطور اتفاقی برای یکی از کودکان همسایه‌مان مادری کردم و خوب با خصیصه‌های مادری آشنا بودم. به همین خاطر زمانی که خواستم این نقش را بازی کنم از حس این تجربه‌ام، بسیار استفاده کردم. از طرفی این نقش بسیار سنگین بود و مدتی دچار فشار روانی بودم. آنقدر درگیر نقش بودم که حتی شب‌ها خوابش را می‌دیدم و از شدت تلخی نقشم، به جد بخشی از سیاهی موهایم به سفیدی تبدیل شد، طوریکه آقای سجادی حسینی به من گفت که حتماً بعد کار به تراپیست مراجعه کنم. در ابتدای کار، بیشتر از هر چیز نگران این بودم که چون قرار است مقابل بازیگران حرفه‌ای ایفای نقش کنم حتماً به درستی از پس آن بر بیایم. اما آنقدر درگیر نقش بودم که اصلاً این چیزها برام مهم نبود.

بعد از این همه تفاوت‌هایی که با این نقش داشتید، خودتان از خروجی کار راضی بودید؟

من زمانی که لباس می‌پوشیدم و گریم می‌کردم، ناخودآگاه همه روحیات و فیزیکم تغییر می‌کرد و متناسب با کاراکتر شکل می‌گرفت. یکبار یادم هست زمانی که مشغول فلیمر داری بودم، آنقدر درگیر نقش شدم که حالم بد شد و گوشه‌ای نشستم، راننده‌ای که هر روز مرا به مقصد می‌رساند با دیدن حال بد من، به دوستان پشت صحنه

گفته بود که یک خانم غریبه‌ای، آنجا نشسته و حالش خوب نیست، برایش آب بپزید. آن راننده مرا نشناخته بود و برایم بسیار عجیب بود. فکر می‌کنم همانجا مزد زحماتم را گرفتم و متوجه شدم از پس نقش برآمده‌ام.

خلاصه‌ای یک خطی از نقش تان بگوئید.

مادری که فرزندش را از دست داده و نمی‌تواند فقدان آن را باور کند.

هدایت بازیگری و روند تمرین‌ها چگونه بود؟

آقای سجادی حسینی، بیشتر سعی می‌کرد که من را در موقعیت قرار دهد تا بتوانم نقش را باور کنم. از همه مهم‌تر این بود که از جانب ایشان به من دیکته‌ای صورت نمی‌گرفت و آزادی عمل داشتم. فقط بازی مرا مدیریت و کنترل می‌کرد. بطور مثال، من نقشم را اتود می‌زدم و اگر مورد قبول نبود یا حذف می‌شد، یا کم و یا ایده دیگری جایگزین می‌شد.

کار با آقای سجادی حسینی چطور بود؟

در دو تجربه کاری که با ایشان داشتم هیچ چیز یک طرفه نبود، همیشه باهم تعامل داشتیم، گفت‌وگو می‌کردیم تا در راستای بهتر شدن کار پیش برویم. ایشان به عنوان یک کارگردان، طوری با بازیگر برخورد می‌کند که بازیگر به خوبی از پس آن بر بیاید. از طرفی معتقدم که اثری با چنین موقعیتی، تاکنون از آقای سجادی حسینی مشاهده نکردیم. چراکه آثاری که اغلب ایشان کارگردانی کردند، به آن صورت از درام و داستانی این چنینی تبعیت نکرده است، اما این فیلم خیلی فضای متفاوت‌تری دارد.

بنظر تان این فیلم در جشنواره فجر تاثیرگذار خواهد بود؟

واقعاً نمی‌توانم در این باره اظهار نظری کنم. اینکه این فیلم دیده شود و یا جایزه‌ای دریافت کند به خیلی از مسائل از جمله سلیقه داوران و... بستگی دارد. اما این موضوع را می‌دانم که فیلم «نبودنت»، اثری نیست که بتوان به راحتی از آن عبور کرد.

سخن پایانی؟

این اثر در مستقل‌ترین حالت ممکن و با سختی‌های خاص خودش ساخته شده است. لذا نه تنها حمایتی از ارگانی نداشتیم بلکه چالش‌هایی هم برایمان به وجود آمد که قابل گفتن نیست. لذا با افتخار اعلام می‌کنم که بسیار خوشحال و خرسندم که اولین دیده شدن حرفه‌ایم در سینما با یک قصه زنانه و با یک نقش مادرانه توسط این فیلم انجام شده است.